چالش‌های بهره‌وری در گفت‌وگو با فرهاد آگاه
عضو باغدار هیئت مدیره انجمن پسته

درباب قیمت تمام‌شده

مصاحبه‌کننده:
ابوالفضل زارع نظری

غالباً مطرح می‌شود که تولید پسته از هر هکتار در ایران به‌طور میانگین حدود ۵۰۰ کیلوگرم محصول خشک است، در حالی که در آمریکا این عدد حدود ۳ تن است. از این رو، برخی از دست‌اندرکاران انجمن بر این باورند که ترویج و آموزش کشاورزی پسته در جهت افزایش بهره‌وری تولید می‌تواند تا حدودی این نقیصه را کاهش دهد، ضمن اینکه آن را جزو رسالت‌های انجمن نیز تعریف می‌کنند. با این رویکرد و برای کنکاش ریشه‌های بهره‌وری پایین در تولید پسته کشور به سراغ فرهاد آگاه عضو باغدار هیئت مدیره انجمن پسته ایران رفتیم تا نظرات وی را در این‌باره جویا شویم.



آقای آگاه! همیشه در مورد پسته ایران گفته می‌شود که میزان عملکرد در واحد سطح آن پایین است. اما به‌نظر می‌رسد این مشکل در سایر صنایع کشور که انرژی زیادی مصرف می‌کنند هم وجوددارد. نظر شما چیست؟

به حاصل تقسیم مجموع انرژی صرف‌شده بر تولید ناخالص داخلی یک کشور شدت انرژی می‌گویند و این عدد در ایران بسیار وحشتناک است و صرفاً ربطی به پسته ندارد. به‌نظرمن، در رابطه با پسته باید بهره‌وری نسبت به آب سنجیده شود؛ چون زمین در مناطق پسته‌خیز ایران ارزش چندانی ندارد و آنچه ارزنده است آب است. باید دید که در ایران به ازای هر مترمکعب آب چقدر پسته تولید می‌شود و در آمریکا چقدر تولید می‌شود.

زاویه دید دیگر، توجه به قدرت رقابت بر سر قیمت تمام شده‌است که تعیین کننده ایجاد و تداوم هر فعالیت اقتصادی در طول تاریخ بوده و هست. به این معنا که چه کسی می‌تواند یک کالای مشابه را ارزان‌تر تولید کند. هرکسی که بتواند این کار را بکند سود بیشتری می‌برد و بیشتر می‌تواند کارش را توسعه دهد و از منافع آن بیشتر بهره‌مند شود.

در نتیجه، موضوع افزایش بهره‌وری مقصود نهایی نیست. به‌نظرمن، آنچه نهایی و پایه‌ای‌تر است، قیمت تمام‌شده‌است. در دنیا رقابت بر سر این است که چه کسی می‌تواند کالای باکیفیت را با قیمت تمام‌شدهٔ پایین‌تری تولیدکند. در مسیر تولید، بالابردن بهره‌وری و استفاده از تکنولوژی کمک می‌کند به اینکه قیمت تمام‌شده کاهش یابد تا بتوان در بازار آزاد رقابت کرد. اما آنچه که در ایران محاسبه قیمت تمام شده محصول را کج و معوج می‌کند، وجود یارانه‌ها است.

در رابطه با موضوع اول، از چندسال پیش این ایده مطرح شد که مهم است حساب کنیم به ازای هر مترمکعب آب چند دلار سود به‌دست می‌آید. اگر بخواهیم در رابطه با پسته بگوییم، این مهم است که به ازای هر مترمکعب آب چند کیلو پسته تولید می‌شود و چرا این عدد اینقدر از جاهای دیگر پایین‌تر است! البته ممکن

است بعضی‌ها نسبت به این موضوع هم حرف داشته‌باشند و بگویند این‌طور نیست و در باغات خوب پسته ایران این عدد خیلی‌ها هم بد نیست.

چرا این عدد در ایران پایین است؟

به‌نظرمن دلایل متعددی دارد؛ اول اینکه کشاورزی در ایران در مقابل کشاورزی کشورهای پیشرفته که بر پایه علم بنا نهاده‌شده‌اند، سنتی است؛ مثلاً پایه یوسی‌بی‌وان که حاصل تحقیق و بررسی در آمریکا است یکی از دلایل برداشت زیاد در آمریکا می‌باشد. ما در اینجا بذر را در زمین می‌کاریم و خدا می‌داند چه‌چیزی دربیاید!

بذر یوسی‌بی‌وان و یا کشت بافت آن در آمریکا ژنوتیپ مشخصی دارد و با استفاده از تحقیقات علمی متوجه شده‌اند که محصول بیشتری می‌دهد. همچنین، در مورد مسائل دیگر مثل هماهنگ بودن پایه با پیوند، هماهنگ بودن گلدهی درخت نر و ماده و بسیاری از موارد دیگر در آمریکا تحقیق شده‌است. پس یک دلیل برای اینکه چرا بهره‌وری در باغات پسته ایران از آمریکا پایین‌تر است، عامل به‌کار نبستن علم است؛ آنها علمی کار کردند و ما دیمی کار می‌کنیم.

عامل دیگر، مسئله کمیت و کیفت آب است. دلیل اینکه می‌گویند در گذشته ما از هر قصب اینقدر پسته برمی‌داشتیم، اما حالا برنمی‌داریم به آب مربوط است. من در باغ‌های خودمان به تجربه دیده‌ام که یک عامل اصلی، شوری آب است که آمریکایی‌ها هم همین موضوع را با تحقیق و عدد و رقم فهمیده‌اند. من فکر می‌کنم که شوری در کاهش بهره‌وری تولید باغات پسته ایران بسیار مسئله بزرگی است.

مطلب سوم، کیفیت خاک است. خاک‌های کالیفرنیا بسیار غنی است، ولی خاک‌های مناطق پسته‌خیز ایران آنقدر فقیر است که بدون استفاده از کود حیوانی امکان برداشت بالا وجودندارد. مسئله تکنولوژی هم عامل دیگری است؛ اگر سیستم آبیاری قطره‌ای باشد تا غرقابی بر میزان تولید اثردارد. اثربخشی و نحوه کودهی و سموم در درجات بعدی قرار می‌گیرند.

شما این موارد را به چشم علت نگاه می‌کنید. سوال من این است که چرا در تولید پسته به دنبال علم و دانش نر فتیم ؟

پرداختن به این موضوع شاید از حوصله این گفت‌وگو خارج باشد. این خودش یک بحث دامنه‌دار است.

باتوجه به عواملی که فرمودید، هنوز باغدارانی هستند که دارند پسته تولید می‌کنند و پایین بودن تولید و بالا بودن قیمت تمام شده آنها را از دور خارج نکرده‌است. اگر کسی ضرر بدهد دیگر نمی‌تواند تولید کند، نهایتاً یکی دو سال می‌توان ضرر داد، ولی در درازمدت نمی‌توان





> در مسیر تولید، بالابردن بهره‌وری و استفاده از تکنولوژی کمک می‌کند به اینکه قیمت تمام‌شده کاهش یابد تا بتوان در بازار آزاد رقابت کرد. اما آنچه که در ایران محاسبه قیمت تمام شده محصول را کج و معوج می‌کند، وجود یارانه‌ها است

یک فعالیت ضرر را ادامه داد.

در بازاری که یک کالا تولید و خرید و فروش می‌شود، کارخانه‌هایی که قیمت تمام‌شده محصولشان گران‌تر از قیمت بازار شود ورشکست می‌شوند، ولی آن کارخانه‌ای که قیمت تمام‌شده محصولش معادل قیمت بازار و یا پایین‌تر از قیمت بازار باشد در بازار باقی می‌ماند.

در مورد پسته، چون تولید آن محدود بوده و برای آن تقاضا و مصرف زیادی وجوددارد ما هنوز در بازار مانده‌ایم، اما با کسب سودی کمتر نسبت به آمریکا. پسته آمریکا که قیمت تمام شده‌اش کمتر از ما است، سود بیشتری می‌برد. اما به‌تدریج با کاهش فاصله بین عرضه و تقاضا، تعدادی از باغداران که قیمت تمام‌شده پسته‌شان بالاتر است ورشکست می‌شوند و از عرصه رقابت بیرون می‌روند.

باید توجه داشت، لزوماً همه کسانی که قیمت تمام شده محصولشان بالاتر از دیگری است ورشکست نمی‌شوند، بلکه بستگی به تقاضا در بازار دارد. اگر تقاضا زیاد باشد آن کسی که قیمت تمام شده‌اش پایین‌تر است و هم آنکه قیمتش کمی بالاتر باشد می‌توانند بفروشند، اما اگر تقاضا کم باشد قیمت پایین می‌آید و فقط آن کسی که قیمت تمام شده‌اش پایین‌تر است می‌تواند بفروشد و مابقی ورشکست می‌شوند و از گردونه رقابت خارج می‌شوند.

در مورد پسته ایران چقدر احتمال ورشکستگی وجوددارد؟

بستگی به تقاضا دارد؛ الان تحلیل من این است که ظرفیت افزایش تقاضای پسته در دنیا هنوز خیلی زیاد است، چرا؟ چون آمریکایی‌ها با ۳۳۰ میلیون نفر جمعیت پارسال حدود ۱۸۰ هزار تن پسته خوردند؛ کشور چین با یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون نفر جمعیت روزبه‌روز قدرت اقتصادی مردمش بالاتر می‌رود و اگر هر چینی بخواهد به اندازه هر آمریکایی پسته بخورد، جمع مصرفشان چند برابر آمریکایی‌ها می‌شود. درحال‌حاضر، آمریکایی‌ها ۵۰۰ هزار تن پسته تولید می‌کنند و ما هم ۲۰۰ هزار تن، درکل ۷۰۰ هزار

تـن پسـته تولید می‌شـود و تقاضا برایش وجوددارد.

ایـن موضوعـات را نمی‌تـوان بـا قطعیـت بیـان کـرد؛ قیمـت بـر اسـاس عرضـه و تقاضـا شـکل می‌گیرد، اگـر قیمت پایین بیاید تقاضا بیشـتر می‌شـود، وقتی تقاضا بـالا بـرود آمریکایی‌هـا می‌فروشـند، مـا هـم می‌فروشـیم. ما اگـر بتوانیـم قیمت تمام شـده پسـته‌مان را نزدیک به پسـته آمریـکا نگه‌داریـم، می‌توانیـم امیـدوار باشـیم که در رقابت در بـازار جهانی زنده می‌مانیـم. مسـئله بهره‌وری یـک عامل از قیمـت تمـام شده‌اسـت و خـودش ذاتـاً یـک چیـز خیلی مقـدس که ته داسـتان باشـد نیسـت. تـه داسـتان، رقابت برسـر قیمت تمـام شده‌اسـت.

آمریکایی‌هـا هیچ‌وقـت بـا مـا در قیمـت رقابـت نمی‌کننـد؟

هرکسـی دنبـال سـود بیشـتر خـودش اسـت. اگـر تـلاش بـرای بیـرون کـردن مـا از بـازار منجـر بـه سـود بیشترشـان شـود، شـاید ایـن‌کار را انجـام دهنـد. درحال‌حاضـر، سـود آمریکایی‌ها بیشـتر در ایـن بـوده کـه وقتشـان را به‌جـای اینکـه صـرف رقابـت با مـا کننـد، صرف بالابـردن تولیـد و یـا ایجـاد بـازار مصرف کننـد تـا از ایـن طریـق سـود بیشـتری عایدشـان شـود.

در انجمـن گفتـه می‌شـود چـون علـم بـه فرهنـگ تبدیل نشـده یا سـاختار کشـاورزی ما خرده مالکی اسـت بهـره‌وری پاییـن اسـت. اما به‌نظر می‌رسـد بهـره‌وری در تولید سـایر صنایع در سـطح کشور پایین باشـد. در ایـن مـورد چـه می‌توان گفت ؟!

اینکـه چـرا بهـره‌وری در ایـران پاییـن اسـت، بحـث عمیقـی اسـت. اگـر از من بپرسـید راحت‌تریـن جوابـی کـه برایش دیدم و شـاید کمی ساده‌سـازی باشـد در کتـاب «نفحـات نفـت» آمده‌اسـت.

تـا دهـه ۴۰ شمسـی بهـره‌وری در ایران خیلـی بـالا بود. مثـلاً آقای مهـدی آگاه- پـدر بنـده- مسـئول صـادرات شـرکت تولیـد لـوازم خانگـی ارج بـود؛ یعنـی یخچـال ارج صـادر می‌شـد، بـدون وجود یارانـه! ایـن یعنـی قیمـت تمام‌شـده یخچـال در ایران پایین‌تـر از کره و آلمان

> **بهره‌وری پایین دلایل متعددی دارد؛ اول اینکه کشاورزی در ایران در مقابل کشاورزی کشورهای پیشرفته که بر پایه علم بنا نهاده‌شده‌اند، سنتی است؛ مثلاً پایه یوسی‌بی‌وان که حاصل تحقیق و بررسی در آمریکا است یکی از دلایل برداشت زیاد در آمریکا می‌باشد. ما در اینجا بذر را در زمین می‌کاریم و خدا می‌داند چه‌چیزی دربیاید!**



بـود. قیمـت نفت که بـالا رفت و دولت شـاه درآمدش زیاد شـد، مملکت را ۱۸۰ درجـه چرخانـد و گفـت دیگـر از ایـن بـه بعـد بایـد وارد کنیم و دیگر علاقه‌ای به صادرات نداریم. شـرکت ارج ورشکسـت شـد و قسـمت صـادرات شـرکت جمـع شـد. ایـن مطالب ریشـه‌های اقتصـادی عمیقی دارد و بـه نظـر مـن ریشـه آن به اثرات مخـرب درآمدهای بـادآورده نفت بـر اقتصـاد کشـور برمی‌گـردد که مهم‌تریـن عامل اسـت. مملکـت ما از اوایـل دهـه ۵۰ بـه نفـت اتکا کرده‌اسـت.

پـس شـما فکـر می‌کنیـد توجـه به قیمـت تمـام شـده مهم ا ست ؟

موضـوع قیمـت تمـام شـده نسـبت بـه بهـره‌وری مسـئله ریشـه‌ای‌تری اسـت. بهـره‌وری یکـی از راه‌هـای رسـیدن بـه قیمـت تمـام شـده پایین‌تـر اسـت. تعریـف بهـره‌وری نسـبت خروجـی بـه ورودی اسـت. بهـره‌وری نیـروی کار در ایـران، یعنـی هـر سـاعتی کـه کارگـر کار می‌کنـد چنـد دلار کالا تولیـد می‌شـود؟ یـا بهـره‌وری آب، یعنـی بـه ازای هرمترمکعـب آب چنـد دلار کالا تولیـد می‌شـود؟

آیا بـا وضعیت فعلی امـکان افزایـش بهره‌وری در تولید پسـته وجوددارد؟

بله. در همین شـرایط برخی از باغداران پیشـرو محصول خوبی برداشـت می‌کننـد. اگـر بقیه هم کـه امکانـش را دارند، رفتار مشـابه انجـام دهند می‌تواننـد نزدیـک آمریکایی‌هـا پسـته بردارنـد. در ایران یک عـده دارند خـوب پسـته تولیـد می‌کننـد و بقیه هـم می‌تواننـد بروند ببیننـد و یاد



بگیرند. باید آب و خاک قابل قبول، قدرت مالی و توان مدیریت داشته‌باشند.

پس فکر می‌کنید آموزش و ترویج کشاورزی پسته از طریق انجمن می‌تواند موثر باشد یا موثر بوده‌است؟

بله، فکر می‌کنم ترویج روش‌های موفق توسط برخی کارشناسان، انجمن و سایر دست‌اندکاران در بهبود برداشت‌ها بسیار مؤثر بوده‌است.

عده‌ای بر این باورند که ما چون یارانه می‌گیریم و قیمت برخی نهاده‌ها مثل آب، انرژی و نیروی کار نسبتاً ارزان است، اصلا افزایش بهره‌وری خیلی برایمان اهمیت ندارد. نظر شما چیست ؟

این هم بر می‌گردد به قیمت تمام شده؛ یعنی برای اینکه قیمت تمام شده ما قابل رقابت باشد و بتوانیم کالایمان را بفروشیم، پایین بودن بهره‌وری دارد با یارانه جبران می‌شود.

به‌جز یارانه، عامل مهم دیگری هم در تصور اشتباه باغداران راجع به قیمت تمام شده دخیل است. در مناطق قدیمی کاشت پسته، چون باغات چند دهه پیش ریخته شده‌اند و هزینه سرمایه‌گذاری اولیه آن سال‌ها پیش پرداخت شده، برای محاسبه قیمت تمام شده، باغداران تنها هزینه‌های جاری را حساب می‌کنند و هزینه‌های استهلاک را درنظر نمی‌گیرند. این مثل گاو شیردهی است که به ما ارث رسیده و فقط شیرش را می‌دوشیم. هزینه تولید این شیر را نسبت به آن کسی که پول داده و گاو را خریده، کمتر حساب می‌کنیم؛ ما فقط هزینه نگهداری از گاو و دوشیدنش را می‌بینیم و هزینه خرید گاو و یا مستهلک شدن آن را در نظر نمی‌گیریم. در این مثال، نگه‌داشتن ذخیره استهلاک یعنی اینکه از پول فروش شیر یک بخشی کنار گذاشته شود تا ۵ سال دیگر که گاو از بین رفت بتوان یک گاو جدید جایگزین کرد و اصل سرمایه از بین نرود.

> **موضوع قیمت تمام شده نسبت به بهره‌وری مسئله ریشه‌ای‌تری است. بهره‌وری یکی از راه‌های رسیدن به قیمت تمام شده پایین‌تر است. تعریف بهره‌وری نسبت خروجی به ورودی است. بهره‌وری نیروی کار در ایران، یعنی هر ساعتی که کارگر کار می‌کند چند دلار کالا تولید می‌شود؟ یا بهره‌وری آب، یعنی به ازای هرمترمکعب آب چند دلار کالا تولید می‌شود؟**

توصیه شما به باغدارانی که اخیراً زمین خود را زیر کشت پسته برده‌اند چیست؟

بروند حساب و کتاب بکنند، اگر توانستند پسته را با قیمت تمام‌شدهٔ زیر قیمت تمام شده پسته آمریکا به‌دست آورند، پسته بکارند. اگر پسته تولیدی‌شان گران‌تر در می‌آید، شاید در آینده نتوانند با پسته آمریکا رقابت کنند .

این سوال یک سوال اقتصادی است و اصلاً نباید با احساسات به آن جواب داد. اینکه ما تنها کاری که بلد هستیم کشاورزی است، دلیل انجام دادن یک کار غیراقتصادی نیست. آخرین گزارشی از قیمت تمام شده پسته آمریکا که توسط دانشگاه دیویس منتشر شده مربوط به سال ۲۰۲۰ است که قیمت تمام شده تولید پسته کالیفرنیا در یک باغ نوعی با برداشت حدود ۳ تن در هکتار (با احتساب هزینه برداشت و بدون در نظرگرفتن هزینه ضبط) معادل ۴٫۵ دلار برای هر کیلوگرم پسته خشک در پوست می‌شود. البته به یک عامل مهم دیگر هم باید توجه کرد و آن تفاوت فاحش هزینه‌های فرآوری و فروش در ایران و آمریکاست. در ایران حدود ۹۰ درصد از قیمت پسته صادراتی به باغدار می‌رسد؛ اما در آمریکا حدود ۶۰-۷۰ درصد از قیمت صادراتی یا عمده فروشی داخل به باغدار می‌رسد و همین عامل یک حاشیهٔ امن موقتی برای باغدار ایرانی ایجاد کرده‌است.

آیا قیمت تمام شده پسته آمریکا از آنچه امروز هست می‌تواند پایین‌تر بیاید؟



در طولانی مدت، قیمت فروش پسته با توجه به عرضه و تقاضا تغییر می‌کند، اما قیمت تمام شده درصورتی‌که تغییری در عوامل و نهاده‌های تولید رخ دهد، ممکن است تغییر کند؛ مثلاً پایه جدیدی پیدا شود که به جای ۳ تن در هکتار ۶ تن در هکتار پسته بدهد.

شما گفتید در ایران اکثراً هزینه‌های جاری را در نظر می‌گیرند و استهلاک را حساب نمی‌کنند. با این حساب هزینه تولید پایین می‌آید!

خیر، هزینه تولید پایین نمی‌آید؛ بلکه حسابداری غلط، تصور پایین بودن هزینه تولید را القا می‌کند. مشکل اینجاست که هیچ باغداری در ایران محاسبات قیمت تمام‌شده را درست انجام نمی‌دهد؛ یعنی هیچ‌کس هزینه سرمایه‌گذاری و هزینه عمر چاه آبی که دارد به‌سرعت از بین می‌رود را درست حساب نمی‌کند. اگر باغداری درست حساب کند، می‌تواند بفهمد که کاشت پسته به صلاح است و یا ضرر.

> **در مناطق قدیمی کاشت پسته، چون باغات چند دهه پیش ریخته شده‌اند و هزینه سرمایه‌گذاری اولیه آن سال‌ها پیش پرداخت شده، برای محاسبه قیمت تمام شده، باغداران تنها هزینه‌های جاری را حساب می‌کنند و هزینه‌های استهلاک را درنظر نمی‌گیرند**

رقابت بر سر قیمت تمام شده پیشران تحولات جوامع بشری است. کارل مارکس می‌گفت تحولات جوامع بشری ناشی از تغییر ابزار تولید است و تغییر ابزار تولید هم یعنی تغییر قیمت تمام شده؛ یعنی زمانی که بشر توانست به‌جای سنگ از ابزار فلزی استفاده کند، قیمت تمام شده پایین آمد. وقتی که جیمز وات ماشین بخار را اختراع کرد قیمت تمام شده کالاها پایین آمد، رفاه بیشتری برای جوامع بشری حاصل شد و مصرف بالا رفت. برای همین است که تحولاتی که بر قیمت تمام‌شده تولید کالاها و خدمات اثر می‌گذارند، می‌توانند باعث تغییرات بنیادین در جوامع شوند.

سیر تحولات قیمت تمام شده پسته چگونه است؟

در قرن اخیر، پسته در دنیا یک محصول کمیاب بود و تقاضایش سالیان سال خیلی بالاتر از تولیدش بود. با اضافه شدن آمریکا، بعد هم ترکیه و اسپانیا به جرگه تولیدکنندگان پسته، در آینده تعادلی بین تقاضا و عرضه ایجاد خواهدشد و قیمت بازار به قیمت تمام‌شده نزدیک خواهد شد.

بازار هم یعنی رقابت بین تولیدکنندگان برای افزایش رفاه مصرف‌کننده. الان قوی‌ترین رقیبی که برای ایران در تولید پسته در دنیا وجود دارد، آمریکا است. پس ما اگر می‌خواهیم تصمیم بگیریم که وارد این رقابت شویم یا نه، باید ببینیم که باغدار متوسط آمریکایی را می‌توانیم شکست دهیم یا خیر؛ اگر می‌توانیم، پس وارد این کار شویم و اگر نمی‌توانیم خیلی وقت خود را تلف نکنیم، به‌خصوص اینکه ۱۰ سال طول می‌کشد تا بفهمیم که اشتباه کرده‌ایم یا نکرده‌ایم!

فکر می‌کنید اگر در طولانی مدت بازارهای جدید کشف شوند و همه دنیا پسته‌خور شوند و تولید پسته هم بالا برود، چه تغییراتی در قیمت تمام شده و نهایتاً تولید رخ می‌دهد؟

افزایش تقاضا و مصرف لزوماً باعث تغییر در قیمت تمام شده تولید نخواهد شد. با توجه به قیمت تمام شده تولید پسته در کالیفرنیا، به‌نظر می‌رسد کف قیمت پسته الان حدود ۵ دلار است. اگر قیمت بازار برای مدت طولانی زیر این عدد بیاید باغ‌های زیادی در ایران و کالیفرنیا هستند که از گردونه تولید خارج می‌شوند.

در خیلی از محصولات دیگر این اتفاق دارد می‌افتد و یک عده تولیدکننده ورشکست می‌شوند و یک سری تولیدکننده با قیمت تمام شدهٔ بهتر وارد می‌شوند. یک روزی برای پسته هم این اتفاق خواهد افتاد. این داستانی که در صد سال اخیر در مورد پسته بوده و همیشه تقاضا بیش از عرضه بوده، ابدی نیست. در آن‌زمان، قیمت تمام شده است که برندهٔ رقابت را تعیین می‌کند.

حاشیه سود باغداری پسته در آمریکا چقدر است؟

قیمت فروش لزوماً ربطی به قیمت تمام شده ندارد و تولیدکننده هرچه بیشتر زورش برسد که پسته‌اش را گران‌تر بفروشد این کار را می‌کند. بنابراین، حاشیه سود باغداری پسته در آمریکا عدد ثابتی نیست و سال تا سال فرق می‌کند؛ ولی به هر حال جزو پردرآمدترین سرمایه‌گذاری‌ها در سال‌های اخیر بوده، به‌همین دلیل در دو دهه اخیر کشت پسته اینقدر سریع در کالیفرنیا توسعه پیدا کرده‌است.